



محل دارة

مجلس شورای ملی

شماره تلفن ۳۰۴۴۸ و ۳۸۸۹۴ و ۴۸۸۹۵ و ۸۸۹۶

روزنامه یومیه

بهای اشتراك

فست اول (مذاكرات مجلسین) سالیانه ۳۰۰ ریال

فست دوم (آگهیها) ۶۰۰ ۰

شماره کامل ۸۰۰ ۰

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه ومقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاكرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهیهای رسمی وقانونی

شماره ۲۰۰۳

شنبه ۱۰ دی ماه ۱۳۳۰

سال هفتم

شماره مسلسل ۲۱۴

دوره شانزدهم مجله شورای ملی

مذاكرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۱۴

صورت مشروح مذاكرات مجلس روز سه شنبه ۲۶ آذر ماه ۱۳۳۰

فهرست مطالب :

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل
 - ۲- بیانات قبل از دستور آقایان: تیمورتاش وشوشتری
 - ۳- توضیحات آقای دکتر شایگان بعنوان ماده ۹۰ آئین نامه
 - ۴- تعیین موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه
- مجلس ساعت دو پنججاه دقیقه صبح برپاست آقای جواد گنجی (نایب رئیس) تشکیل گردید

(۱- قرائت اسامی

غائبین جلسه قبل)

نایب رئیس- صورت غائبین جلسه قبل قرائت می شود.

(شرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه- آقایان: محمد عباسی، محمد تقی برومند، ناصر قلی اردلان - عبدالرحمن فرامرزی، عباس اسلامی، عماد تربتی، ابوالفضل حاذقی، ناصر صرصری، الهیار صالح، طباطبائی، نصرالله شادلو

غائبین بی اجازه- آقایان: خرمی، علم، جواد مسعودی، ارباب رستم گویو، افشار صادقی، حسین کور اغلی، کشاورز صدر، زاهد احمد حمیدیه، غلامحسین ابیجیح، احمد ناظرزاده کرمانی، دولت آبادی، فتاحی، افشار

دیر آمدگان بی اجازه- آقای محمد هراتی، یکساعت و نیم - آقای محمدعلی مسعودی یکساعت - آقای محمد ذوالفقاری.

۳۰ دقیقه آقای دکتر کلبان ۳۰ دقیقه - آقای سلطانی یکساعت - آقای خسرو- قشقایی یکساعت آقای ههاب خسروانی ۳۰ دقیقه - نایب رئیس - بعثت تعطیل دیروز صورت جلسه آماده نیست بنابراین با - موافقت آقایان نقطه های قبل از دستور را شروع می کنیم

آشتیانی زاده - راجع بقبیله حرف دارم.

نایب رئیس - نسبت بقبیله صکی؟

آشتیانی زاده- اجازه بفرمائید

نایب رئیس- بفرمائید

آشتیانی زاده - بنده خواسته از

فرست استفاده کنم و این عریضه کارگران هجاب خانه نقش جهان را خدمتتان تقدیم بکنم چند فقره مکتوب هم از طرف سازمان جوانان و زنان ایران ببنده نوشته شده است که اینها را می گذارم در جلسه بعد قرائت می کنم تا جریان ۱۴ آذر روشن تر

۳- بیانات قبل از دستور- آقایان:

تیمورتاش وشوشتری

نایب رئیس- بسیار خوب آقای

تیمورتاش بفرمائید

تیمورتاش- چون عریض بنده در جلسه گذشته تمام نشده بود بنده قصد داشتم امروز از آنجائی که سختم قطع شده بود شروع کنم و دنباله عریضم را بر عرض مجلس شورای ملی برسانم ولی متأسفانه هر دم از این باغ بری می رسد

تازه تر از تازه تری می رسد

امروز صبح جمعی از آقایان بازاریها

که بنده شخصاً هیچ آشنائی با ایشان نداشتم منجمله آقای علی معماربان تلفن کردند و بوکلای اقلیت گفتند که مادریز تصمیم داشتیم طوماری امضاء کنیم و بگوئیم که بستن بازار بطب خاطر نبوده است بکنده مردمانی که بنده نمی خواهم عرض بکنم فقط می گویم معلوم الحال با مأمورین شهربانی آمده اند طومار را گرفته اند و ما را برده اند بکلانتری و از ما تعهد گرفته اند امروز در تأمینات حاضر بشویم و نمی دانیم چه بر سرمان خواهند آورد (مکی) - آقای تیمورتاش مردم را دعوت کرد، و گفته بودند که می خواهیم طوماری برای پشتیبانی از دولت آقای دکتر مصدق تهیه کنیم این را امضاء کنید مردم هم امضاء می کردند بعد معلوم شد که تقلب کرده اند بعنوان جعل اکاذیب و جعل امضاء و تقلب آنها را تعقیب کرده اند (شوشتری و بیراسته- این طور نیست) عرض کردم بنده شخصاً آقای علی معماربان را نمی شناسم (شوشتری- اسم نبرید آقا بیچاره می شوند) و الان هم در آگاهی هستند امانتک دیگری که مربوط بخود بنده است و اینهم باز دلیل بارز بوجود امنیت جانی و آزادی بیان

شود.

است اینستکه هنگامی که دیروز بنده در مجلس متعصن بودم برادرم اتومبیل مرا سوار شده بود و جانی کار داشت دو تا اتومبیل که یکی بیوک ماشینی رنگ باز که نمره تهران را نداشته و دیگری يك اتومبیل فرد خاکستری ماهین برادرم را تعقیب کرده اند (جمال امامی - بنا بود که ما سیبلتان را بتراشید که با برادران اشتباه نشوید) و این طفلک تاراه شمیران رفته است و بالاخره با هزاران مخاطرات جانی توانسته است از دست این جانی ها فرار کند این چیزی است که بعرف ما در این کشور اسدش تأمین جانی است بهر صورت اینرا خواستم عرض کنم که برادرم هوشنگ در امور سیاسی بامن اختلاف نظر دارد و خواهش می کنم گاو را بجای من آزاد نکنند و بنده حاضریم که هر تنبیهی که درباره بنده بخواهند اعمال کنند حرفی ندارم و فقط عرض می کنم که اگر پنج شش نفر کشته شدند گناه من نخواهد بود چون نخواهم گذاشت که مرا بیهوده بکشند و در همین زمینه می خواستم اشاره بکنم بشرحی که روزنامه شورش نوشته است سرمقاله اش را بنده کاری ندارم چون که مسلم است آئینه ای جلوش گذاشته و خود را در آن آئینه دیده است (بیراسته- و حامیاش و کسانی که بهش پول می دهند) ولی چیزی که برای بنده حائز اهمیت ومخصوصاً می خواستم حضور محترم آقایان عرض کنم چیزی است که تحت عنوان است چگونه مدیر ما نقشه سوء قصد بمصدق را نقش بر آب کرد نوشته است در آنجا خودش می نویسد و می گوید مدیر قهرمان ما مردانه بیکه و تنها در مقابل یکمده جانفروش نتوانست تاب تحمل و اهانت بمصدق را بکنند و مردانه دفاع کرد بالاخره نوشته است که به بنده و آقای نصرتیان رسید و با سیلی ومشتولگد

سر و کله بنده و نصرانیان را شکست حاشا و کلا برهت شما همکاران معترزم هرگز من که قبول بفرمائید مدیر روزنامه ای بیک نفر که اسمش وکیل مجلس است اینطور نهادت کرده باشد و خودش هم مترف باشد و هیچگونه عملی نکنند و اما نکته دیگری که بنده مأموریت دارم اینجا عرض بکنم نامه ای است که از طرف اقلیت بریاست مجلس شورای ملی نوشته شده است و بنده مأموریت دارم که در این جا قرائت بکنم .

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی نظر باینکه روز سه شنبه ۲۶ آذر انتخابات دوره ۱۷ قانونگذاری شروع می شود دولت اعلام کرده است که رادیو برای تبلیغات انتخاباتی در اختیار همه دستجات گذاشته میشود و نمایانگان کاندیدهای مورد حمایت دولت این استفاده را هملا می کنند نمایندگان اقلیت و مدیران جرایدهمده و مستقل پایتخت که در مجلس شورای ملی متعصن می باشند تقاضا دارند مقرر فرمائید که دولت برای فراداش تعیین وقت بکند آقای جمال امامی نمایندگی آقایان متعصن در مجلس شورای ملی مبارزه انتخاباتی را افتتاح کنند و یک ساعت وقت رادیو طهران برای این منظور در اختیار نمایندگان اقلیت متعصن باشد و بعد از آنهم در تمام مدت انتخابات هر شب یکساعت وقت برای تبلیغات انتخاباتی نمایندگان اقلیت تخصیص داده شود .

آشتیانی زاده - آنها بیکیه متعصن نیستند چکار بکنند ؟

آزاد - بیایند متعصن بشوند و استغافه بکنند .

تیمورتاش - این جریان بود که بنده می خواستم عرض آقایان برسانم و حالا برمی گردم بر مطلب اساس موضوع آخرین بیان بنده در جلسه گذشته راجع به ارمغانی بود که جناب آقای دکتر مصدق از هورای امنیت برای ما آوردند که دو نفر از آقایان محترم که من همیشه بقایایشان احترام می گذارم اینجا اعتراض کردند که اینطور نیست و ماصلاحت داد گاه را شناخته ایم و تصور می کنم که خودشان هم توضیحاتی بدهند بنده چونکه واقفاً علاقمند بودم که بفهمم در خارج از ایشان سؤال کردم فرمودند که ما هیچوجه صلاحیت را شناختیم و این کمال خوشوقتی بنده و ملت ایران است که صلاحیت دیوان داد کستری لاهه شناخته نشد گفتند چون ما تصور کردیم که اگر خودمان برویم و دفاع کنیم مؤثر خواهد بود این تصمیم را گرفتیم که برویم در آنجا دفاع بکنیم .

مکی - دفاع راجع بدم صلاحیت است پس **دکترهایگان** - تصمی گرفته نشده .

پیراسته - اگر فقط این است تلگراف کنید .

تیمورتاش - اما چیزی که بنده و قاطبه ملت ایران می فهمیم نتیجه اش اینست که محکمه ای بوده است وظایف آن تریزرانی کرده و باه ابراز صادر کرده است (صحیح است) ملت ایران یک دل و یک جهت (پیراسته - سفسطه نیست بین حقیقت است) جناب آقای دکتر شایگان ایدوارم تشریف فرما بشوند اینجا و توضیحات کافی بدهند فقط استدعای بنده اینست که باین یکی دو سؤال بنده کمترین هم جواب بدهند (پیراسته - دولت باید جواب بدهد) آیا آن قضاتی که در این محکمه بوده اند و رأی ظالمانه و جابرانه داده اند تغییری در عقیده شان و ماهیت و طرز فکرشان بوجود آمده است که ما امیدوار باشیم که دفعه ثانی بهتر از دفعه اول رأی خواهند داد و ثانیاً اینکه آیا محیط مناسبتری بوجود آمده است برای اینکه ما تصور بکنیم که این دفعه حقمان را خواهیم گرفت ؟ و بالاخره چه حوادثی پیش آمده است که این بیگانه بکنیم که دیوان داد کستری بین اکثریت اکثریت زان دفعه برای ما رأی می دهد ؟ عرض کنم که جناب آقای دکتر مصدق در مدتی پیش از پشت همین از هورای امنیت برای ما آوردند که دو نفر از آقایان محترم که من همیشه بقایایشان احترام می گذارم اینجا اعتراض کردند که اینطور نیست و ماصلاحت داد گاه را شناخته ایم و تصور می کنم که خودشان هم توضیحاتی بدهند بنده چونکه واقفاً علاقمند بودم که بفهمم در خارج از ایشان سؤال کردم فرمودند که ما هیچوجه صلاحیت را شناختیم و این کمال خوشوقتی بنده و ملت ایران است که صلاحیت دیوان داد کستری لاهه شناخته نشد گفتند چون ما تصور کردیم که اگر خودمان برویم و دفاع کنیم مؤثر خواهد بود این تصمیم را گرفتیم که برویم در آنجا دفاع بکنیم .

بنده از این نکته میگذرم که در طی تمام مدتی که جناب آقای دکتر مصدق در آمریکا مشغول مذاکره بودند کفیل نخست وزیری و وزیر امور خارجه ایران بطور کلی هرگونه مذاکره ای را تکذیب می کردند مگر اینست که کفیل نخست وزیری ایران از مذاکراتی که در آمریکا شده بی خبر باشد این مطلب صحیح است یا صحیح نیست بعضی است علیحده اما هنگامیکه آقای هریس به طهران آمده بودند بنده چند سؤال از جناب آقای دکتر مصدق و رئیس دولت ایران کردم تاریخاً سوالات من این سوالات را امروز اینجا می خوانم ملاحظه فرمائید ببینید آیا ما این نتیجه را که بعد از چندین ماه امروز بیان رسیدند همان روز پیش بینی کردیم و گفتیم یا خیر ؟ سؤال اول بنده این بود : با اینکه در پاسخ نامه اول حضرت ترومن رئیس جمهور ممالک متحده آمریکا جناب آقای دکتر مصدق اظهار نظریشانرا نومی مداخله در امور داخلی ایران تشخیص داده اند چه موجب شد که چندی بعد خود درخواست وساطت در امر رفت از ایشان می فرمائید ؟ دوم پس از انتخاب جناب آقای هریس برای میانجی گری اگر قصد عدول از ۹ ماده مصوبه ۱۱ اردیبهشت ۳۰ را نداشتند چرا وساطت ایشانرا پذیرفتند ؟ آیا تصور می فرمودند تمام مفاد ۹ ماده مورد قبول جناب ایشان واقع خواهد شد ؟ ثالثاً چرا طبق گزارش جناب آقای نخست وزیر در مجلس در موادی که بنام فورمول هریس مشهور گردیده از قانون اول ملی شدن نفت مصوب ۱۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ذکر گردیده ولی از قانون اردیبهشت ۳۰ دایر بطرز اجرائی آن اسمی برده نشد ؟ این خلاصه سوالاتی بود پیششده سؤال چهارم و مداخله مستقیم یکی از برجسته ترین سیاستمداران آمریکا در این مذاکرات چه انگاشی در افکار عمومی ملت آمریکا که ما را برانو در بیاروند و حتی مدت هم برای اینکار معین کردند و فرمودند چهارماه ما مجال مهلت داریم و اگر در ظرف این مدت کاری نکرده ما برانو در خواهیم آمد و مجبور خواهیم بود که شرایط آنها را قبول بکنیم بنده فقط سؤال از جناب پیشوا اینست که با اطلاع باین امر و با اینکه این نکته را خودشان بیان فرمودند چطور شد که قبول فرمودند که جلسه دیوان داد کستری لاهه اینقدر بتعویق بیفتد آیا منظور این بوده که این ۴ ماه کذایی تمام بشود یا اینکه نظر دیگری داشته اند ؟ (پیراسته - تمام شده) (آشتیانی - زاده از کجا فهمیدند که ۴ ماه مدت قائل بشوند) اینطور فرمودند بنده اطلاع ندارم اما مذاکراتی را که در آمریکا فرموده اند

تیمورتاش - اجازه می فرمائید که درخواست کنم یک ربع وقت ببنده داده شود !

نایب رئیس - اکثریت برای رأی گرفتن نیست

هوشتری - بنده دقیقه از وقت بنده استفاده فرمائید

آشتیانی زاده - این وقت را هم در دوره یازدهم آقای تقی زاده درست کردند

قاسم فولادوند - برای امروز **تیمورتاش** - جناب آقای فولادوند اجازه می فرمائید

فولادوند - بفرمائید

تیمورتاش - خیلی خلاصه می کنم هر انضمام را برای اینکه متأسفانه بازمه وقت تمام شده است و اکثریت نیست همکاران محترم هنگامی که من تاریخچه مبارزه مقدس ملت ایران را در راه وصول استقلال و آزادی خود ورق می زنم بی اختیار سر تنظیم در مقابل اینهمه گذشت و فداکاری اقراد ایرانی که از هر گوشه مضیق و سختی و قبول آن در رخ نداشتند فرود می آورم ولی بازمه بی اختیار ازین تصمیمی و ندانم چکنم کاری گسائی که مشولیت خطیر حل مسأله نفت را برعهده دارنده شد با تکرانم اگر مجال می بود بنده تشریح می کردم که از روز اول این جریان چه جور بفرخور روز پیش آمد بدیعانه یکی از علل عمده مخالفت من شخصاً این بود که نقشه و برنامه صحیح و کاملی در دست نیست برای اینکه مبارزه باین بزرگی را تمام کنیم بازمه تکرار می کنم ملت ایران و مجلس ایران و شخص بنده بقانون ملی شدن نفت در سراسر کشور رأی دادیم برای اینکه برای من شخصاً بهترین وسیله لغو قرارداد منحوس ۱۹۳۳ و آن قرارداد که با خون پدرم امضاء شده بود این بود که باین قانون رأی بدهیم ولی بعد گفتند که فوراً باید خلع بشود و حال آنکه تا این مرد آقای مکی هم هست شکست کفر انس صاحبقرانیه و مداخله مستقیم یکی از برجسته ترین سیاستمداران آمریکا در این مذاکرات چه انگاشی در افکار عمومی ملت آمریکا که ما را برانو در بیاروند و حتی مدت هم برای اینکار معین کردند و فرمودند چهارماه ما مجال مهلت داریم و اگر در ظرف این مدت کاری نکرده ما برانو در خواهیم آمد و مجبور خواهیم بود که شرایط آنها را قبول بکنیم بنده فقط سؤال از جناب پیشوا اینست که با اطلاع باین امر و با اینکه این نکته را خودشان بیان فرمودند چطور شد که قبول فرمودند که جلسه دیوان داد کستری لاهه اینقدر بتعویق بیفتد آیا منظور این بوده که این ۴ ماه کذایی تمام بشود یا اینکه نظر دیگری داشته اند ؟ (پیراسته - تمام شده) (آشتیانی - زاده از کجا فهمیدند که ۴ ماه مدت قائل بشوند) اینطور فرمودند بنده اطلاع ندارم اما مذاکراتی را که در آمریکا فرموده اند

را داریم و می خواهیم سیاست کشور را از فرمی به فرمی دیگر ببریم یعنی از آن فرمی که تاکنون بوده است و مبنای سیاست ماست در بیاریم و خودمان را به بلوک شرق و کمونیزم نزدیک کنیم من مخصوصاً از جناب آقای دکتر مصدق تعجب می کنم چون در بیانات شان فرمودند که اگر پیشنهاد پنجاه ، پنجاه در دوره یازدهم داده شده بود مسلماً قبول می شد من به این گفته اعتراض دارم بدلیل اینکه خود آقایان مکرور مکرر فرمودند یک جنبه سیاسی هم درباره مبارزه رشیدانه ملت ایران در راه نفت هست که آن پنجاه ، پنجاه تأمین نیکی کرد و اما عرض میکنم در دوره چهاردهم آقای کافاناراد از ما شوروی آمدند به ایران و همین پیشنهاد پنجاه ، پنجاه را دادند و یکی از مفاخر جناب آقای دکتر مصدق این بود که موچانی فراهم آوردند و طرحی تنظیم شد که ایشان دست خالی از ایران بروند چطور شد که در دوره ۱۴ پنجاه پنجاه آقای کافاناراد از آقای دکتر مصدق قبول نیکی کرد ولی امروز می فرمائید . . .

نایب رئیس - تأمل فرمائید اکثریت نیست .

(چند دقیقه بعد اکثریت حاصل شد)

نایب رئیس - بفرمائید

تیمورتاش - ولیکن امروز فرمائید که ما باید با بلوک شوروی معامله بکنیم و باید بلوک شرق را وارد درفت خودمان بکنیم من استدعا میکنم ایشان بعلوی خودشان فکر بکنند و ما بطوریکه فرمودند اجازه بدهند این نفت در زیر خاک ایران مدفون باشد ولیکن موچانی فراهم نیاورند که موجب این بشود که ما از مدار طبیعی مان خارج شویم و مجبور بشویم کمونیزم را قبول بکنیم عرض کردم عرایض من بسیار است ولی چون وقت ندارم و نمی خواهم مصدق بشوم ولی ختم کلام را این جمله قرار می دهم همه آزاد بخوانان جهان قطعاً این جمله را می دانند

ما باره ملت در اینجا آمده ایم و جز بزور سر نیزه از اینجا خارج نمی شویم این هماری است که دنیا را تکان داد و مشروطیت را در سراسر دنیا بوجود آورد ولی شاید بعضی از شنونده گان ندانند که این جمله را کی گفت ؟ خطیب شهر فرانسه میرابو گفت یعنی کسی که اگر بخوایم بحق در این جمله قضاوت کنیم باید بگوئیم پدر آزادی دنیا این شخص بعدی قدرت از نقطه نظر اجرا نبود از لحاظ این بود که سیاست کلی کشور را در نظر بگیرند بنابراین حق نزد که جناب آقای دکتر مصدق تشریف می آوردند و می گفتند که آقا ما این نظر

که در آن گفته کذایی لوئی شانزدهم استاری بدست آمد که این آقای میرابو و این بیان کننده آن جمله خودش با مظهر استبداد لوئی شانزدهم بنده است داشته ملت فرانسه جسد او را از اینتون در آورد و آتش زد من امیدوارم که در بین ما میرابو رسد باشد باشد الان چه حرفی آقای میر اشرافی از ازل مطبوعات نوشته اند که بنده عیناً قرائت می کنم « بطوریکه از منزل اینجناب اطلاع می دهم در روز یکشنبه چهار نفر چاقو کش بدرب مدرسه رفته و می خواسته اند فرزند همیشه ام را بنام کیوان میر اشرافی سرت نمایند بچه از ترس فرار کرده زمین خورده دست او مجروح شده است

نایب رئیس - آقای هوشتری بفرمائید

هوشتری - بسم الله الرحمن الرحیم در جلسه سه شنبه گذشته عرایض اینجناب خاتمه نیافت امروز آنچه اجازه بدهند مطالبی معروض میدارم

نایب رئیس - تأمل فرمائید اکثریت نیست (چند لحظه بعد اکثریت شد) بفرمائید

هوشتری - هدف ما نمایندگان اقلیت بیداری ملت است شهری را که آقای دکتر مصدق و اطرافایش می دهند که

نمایندگان اقلیت بطت آنکه دیگر نمی گذارند آنها را بکیل شوند متعصن شده اند دروغ معص است و اینهم یکی از هزاران افترائی است که تا حال با زده شده

ما دعوی شخصی نداریم ما باید حرف های خود را از نظر انجام وظیفه نمایندگی بگوئیم و موکلین بقهمنه اگر حرف های ما صحیح است چرا مردم نباید بفهمند و چنانچه گفته های ما غیر وارد است هم که مدعی هستی ملت ایران بعد اکثر رشد اجتماعی رسیده پس باللازمه تمیز بین حرف های حق و ناحق را می دهد و اگر مانا بیستد گفته باشیم آنها قضاوت خواهند کرد

آیا از آغاز مشروطیت تا حال و زمان استبداد و مراجع بتاریخ خوانده اید و شنیده اید که دولت مسلط بر مردم بدست خود نخته بر پا سازد و مردم را بجان هم اندازد ؟ در زمان استبداد دولت های استبدادی حتی نیمه وحشی با آنکه مقررات نداشتند و دفاع شخصی هر حکمی می خواستند می کردند یک اصل در آنها مسلم بود که دستور و احکام آنها بطور تساوی در مردم اجرا گردد .

آقای مصدق از روزی که نخست وزیر شده تمام قدرت خود را برای فحشای متقین بکار برده آنهم نه بطوری که

تعویق کرده باشد صرف آنکه یکی از اطرافایش روی افراض خصوصی بیچاره ای را متهم نمود تمام دستکاه دولت مصدق قیام میکنند و آن بیچاره را از هستی و معیشت ساقط می سازند

آقایان نمایندگان محترم ملت خوب توجه فرمائید اقلیت چه می گوید ما می گوئیم در شش ماه گذشته مصدق قه از حرف و هوشی گری چیزی تعویق نکرده ایم

در دو ماه اول این حکومت بانظار رسیدن بیهشت موعود صبر کردیم پس از آنکه حس کردیم حرف های آقای مصدق بهمانشان وفق نمی دهد و یکی دو پرونده جدا گانه دارد ناچار تدریجاً کرده آمدیم و با انصاف واقعی متشکل شدیم

در مرتبه اول (قبل از مسافرت ایشان بامریکا) که اینهم یکی از چندین نیرنگ انگلستان بود برای ابقاء این حکومت موضوع مسافرت بشورای امنیت و دفاع از حقوق ملت هر وطنخواهی را وادار می ساخت که لب فرو بندد و منتظر نتیجه گردد .

لذا دم فرو بستیم و ساکت نشستیم - پس از مراجعت ایشان و شنیدن اظهارات بی مغز و بی اساس ایشان ناچار شدیم مجدداً قیام کنیم و تا هر کجا که میسر گردد در بیداری مردم بکوشیم و نگذاریم کشور کهن سال ایران بدست این مرد مرموز عظمت دیرین خود را از دست بدهد .

از شما آقایان و ملت ایران انصاف می خواهم حرف های مصدق در جلسه سه شنبه که بعنوان جواب بیانات نمایندگان اقلیت اظهار کردند صحیح و مرتب بود ؟

مگر ما از ایشان سؤال کرده بودیم شما در آغاز جوانی چه زنده گانی داشتید و چه می کردید که این جوابها را دادند ! مگر می شود یک عمر مردمانی را از راه بدبرد و فریب داد بلی می شود اما در حرفه در عمل فریب دهنده تا حرف می زند ممکن است مردم گول بخورند اما اگر وارد کار شد زود و چش باز میشود

بنده در برنامه ایشان روز اول گفتم این آقا اهل کار نیست نمونه وزارت دارائی ایشان را بیاد آوردم - کار مثبت عقل سلیم لازم دارد و از خود گذشتگی این آقا راه حفظ وجهت خود را بلد است و غیر از خود چیزی نمیخواهد پس بر ما است که پیش از این نگذاریم حقوق ملت ایران بدست یک منفی باف ایامال گردد .

آیا باید روزی بخود آمد که شیرازه ملک را دیگر نتوان جمع و رفو کرد .

آقایان نمایندگان محترم آیا در این هشت ماه حکومت چه کار مثبت و

مفیدی انجام شده ؟ آیا غیر از نهی شدن خزانه مملکت و بر داشت ۱۴ میلیون لیره از پشتوانه اسکانس و گرفتن هشت میلیون دلار و گرانی زندگانی مردم بیچاره و سد ابواب درآمد ها و تشکیل حکومت های خود مختار و تاسیس سنگاه های تربیت و تشجیح اشرار و چاقو کش و ارباب مردم و معاضله سائن چند نفر مخصوص راکه وابسته به آقایان مصدق و کاشانزند در ادارات که بدست آنها است های مأمورین تغییر باید و ادارات دولت مورد تهدید قرار گیرد و تضعیف مجلس شورای ملی که هستمر کزی ملک بهمانشان وفق نمی دهد و یکی دو پرونده جدا گانه دارد ناچار تدریجاً کرده آمدیم و با انصاف واقعی متشکل شدیم

از این دولت دیده اید؟ بلی - بلی دیده اید دولت برای عام و در هر روز بلواهایی خاص برپا ساخته (نایب رئیس - تأمل فرمائید اکثریت نیست چند لحظه بعد اکثریت شد) بفرمائید

هوشتری - که در هر یک از آن دولتها عده زیادی مقتول و مجروح گشتند و اموالی بقارت رفت حالا چاقو کشی را می گیرند و در شهر بانی بعنوان معرک از او پذیرائی میکنند و میخواهند برده روی اعمال خود بکشند .

با آنکه تمام مضربین خارجی که در طهران بودند این اوضاع را مشاهده کردند و بدینا مغایره کردند

این حقیقت بارز را نمی توان با این حرکات مذبحانه و دفاع به گانه برده بوشی کرد .

آقایان نمایندگان محترم حرف های آقای مصدق در جواب ما چه ارزشی داشت ؟

ایشان مقداری از زندگانی جوانی و تحصیلی گفت - سپس از ششم سخن راند معلوم شد ایشان بین غیث و شخم هم فرقی نمی گذارند و آنوقت برادری خود را با جرج مک کی بیان کردند معلوم شد در آمریکا صیغه اخوت می خوانند . . . و اظهار داشت چون مک کی با اینجناب برادر بود دولت آمریکا که دست نشاند سیاست انگلیس است او را بدور انداخت و ملت عدم مساهمت آمریکا را بایران بعلت قدرت نفوذ انگلستان بیان کرد و از مجموع حرف ها فهماند که ملت ایران باید از کمک های آمریکامایوس باشد .

رمز این کار و این حرف هارا جناب آقای عبدالقدیر آزاد در جلسه پیش فرمودند محتاج توضیح نیست پس از ختام جلسه سه شنبه موقعی که دولت ایشان متوجه شد که حرف های نمایندگان اقلیت در مردم تأثیر بسزا نموده باز به حربه فرسوده خود متشبث گردید دستور تعطیل مصنوعی به زور و فشار روز پنج فتنه را

داد که بوسیله مأمورین شهربانی و برزن های شهرداری و چاقو کش ها و آنچه نغری که در بازار متوجه شدند منضم آنها به نظر افتاده و روز مکافات نزدیک غده به جان مردم و کسبه بیچاره افتاده و تخریب شیرو تخته روز - شب را فراهم ساختند برای چه مبادرت باین کار کردند خیال کرده اند از این راه و کلاهی اقلیت مرعوب خواهند شد و مجدداً لب فرو خواهند بست و مقصود آنها این بود که نگذارند ملت ایران بیدار شود تا در انتخابات یعنی انتصابات افرادی را انتصاب به نمایندگی نمایند و هیچ خیال کرده اند اقلیت متعده باین چار و جنجال و صدور احکام برخلاف ما نزل الله از میدان در خواهند رفت .

نایب رئیس - آقای فولادوند وقت تانرا به آقای شوشتری داده اید؟ **فولادوند** - بله .

شوشتری - باور نمی کردند و نمی کنند که این حرکات آزادی کش مارا بیشتر متعده می سازد بر جمعیت مان می افزاید ما ناچاریم تا هر جا منتهی شود استقامت و رزمیم این پرده مریا و دروغ و سحر و آسونرا پاره سازیم .

مصطفی خواهرزاده مرحوم فرمانفرما هر چه می خواهد بکند و شهرت بدهد زوزی نامه های او بنویسند که منظور اقلیت و کالت است در جواب به این افترا می دهم اول آنکه اقلیت وقتی متشکل گردید که صحبت انتخاباتی در بین نمود و این آقا بارها در این مجلس صریحاً گفته بود که دولت من دولت انتخاباتی نیست دیگر آن که بهترین راه برای وصول به نمایندگی هماهنگی باین دولت هو بود گمان می کنم همین دو دلیل کافی باشد اما چرا ایشان باین عجله دست بکار انتخابات انتخابات به انتصابات افرادی را انتصاب می کنند زده از ترس بیداری افکار ملت است زیرا فهمیده که به سرعت مردم در نمی فهمند موضوع نفت از بین رفته و سیاست مرموز دیگری در کار دولت جریان دارد برای بر گشت افکار و انحراف آنها موضوع انتخابات را پیش کشیده که توجه عموم را باین موضوع معطوف کند و نگذارد عامه بی بهای ببرد .

و در ضمن و کلاهی حاضر را در غوف ورجا نگاه دارد و اگر بتواند از این راه مجلس را بتعطیل کشاند تا برده ها بالا نرود هیأت هیأت این بیچاره هوچی تفهیده که ما از همین عمل مردم را بیدار خواهیم کرد و بعموم ایرانیان عزیز و مجامع بین المللی اثبات خواهیم نمود که انتخاب دوره ۱۷ با مداخلات دولت و انحراف از قانون و تبیض و تقدم و تاخر شروع در استانها برخلاف قانون

وزری آزادی مردم نیست این يك عملی است که هر زبش موری می فهمد که مصدق و آقای کاشانی می خواهند افرادی را منصوب به نمایندگی نمایند ما اعلام می کنیم که در دوره هفده باین جریان اگر صورت یابد تریبیت آن بیوج و قابل اجرا نیست دلیل آقایان محترم این وزراء و معاونینی که از دست خود استعفا داده متکی بچه حزبی هستند که آن حزب با آنها الهام کرده باشد همه می دانند که آنها اطمینان دارند دولت آن آقایان محترم را از صندوقها بیرون خواهد آورد اینست معنی آزادی انتخابات ممکن است من شخصاً یکی در روز و بیاجند روز برای جمع آوری اسناد مداخلت دولت به حوزه انتخابی خود و سایر جاها بروم و ادله و استادی را که بدست می آورم بدینا اعلام کنم در جلسه گذشته آقای مصدق بیانی کرد بیان ایشان این بود من از واقعه پنجشنبه ۱۴ آذر متاثر و متأسف نیستم نمایندگان محترم آبا این گفتار لرزه بر اندام شما نینداخت من نمی دانم آن هدهای که این شخص را برای خود بت قرار داده اند نباید از او بیرون کرد که آقای نخست وزیر شما که بدین چند نفر دزد در مجلس خود را بگریه مصنوعی می زیند بویک حرف غش و صفت می کنید (امادر ایران نه امریکا) پس چگونه در این خونریزی ها و غارتگری ها و سوزاندن کتابخانه ها که شاید در آنها قرآن و کتب آسمانی بوده سوخته شده وزیر پانویس شده متاثر و متأسف نمی شوید؟

چه خوب فرمود استاد سخن حضرت شیخ :
تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی
هو سلطان عزیز مسلمانهای دنیا توجه فرمائید آیا این حرف با ملک داری و مسلمانان وفق می دهد؟ در انبار قشون معاویه يك خنخال از پای زنی اهل کتاب بیرون آوردند حضرت امیر مؤمنان صلی الله علیه و آله در مبر کوفه آنقدر گریست که از اشک چشم مبارکش معاصرین و لباسش خیس گردید - آیا زمامدار مسلمان يك چنین حرفی از او شایسته است ؟ اطلاع یافتم دونفر از نمایندگان محترم حاضر در مجلس از طرف حضرت آیت الله العظمی آقای بروجرودی حامل بیغامی بودند که با آقای مصدق فرمایش ایشان را بگویند آن بیغام این بوده که آقای شاه باغ مرد فاضل و عالم و خوبی است چرا با او این معامله را کردید آقای مصدق جواب می دهد که چون شاه باغ رفیق القلب است بدرد کار نمی خورد معلوم شد در فراموس آقای مصدق قساوت قلب باید چیز هلاکت مأمورین باشد

من خجالت می کشم وقایع پنج شبه گذشته را تا ۱۲ شب بگویم زیرا نمایندگان محترم دیگر تذکر ناده و همه تهران مشاهده کردند
آقای مصدق ما تا بحال از نظر فرور ملی و حفظ شرافت مقامات دولتی نتوانستیم برده دری کنیم و آنچه از اینه شما من دانستیم فاش سازیم ولی شما ما را اودار ساختید که دیگر سکوت نکنیم یکی از بیانات شما در جلسه قبل که با آن حالت مخصوص فراموشی را نشان می دادید پس از چند دقیقه اسم مرحوم حاجی سید اسدالله خرقانی را بزبان آوردید بدون تأمل من متوجه شدم چرا این حرکات را کردید و چرا نام مرحوم خرقانی را بزبان آوردید بخاطر دارم تقریباً درسی سال قبل فاضل دانشمند آقای خلیلی مقاله ای در روزنامه اقدام نوشته بود و در آن مقاله انحراف شما را از راه توحید با ستاند آن کتاب ثابت ساخته بود شما در آن تاریخ به هر يك از علما متوسل شدید غایبه بخشید و آن مرحوم خواست ماست مالی سکند آن مزخرفات را ولی نتیجه نبخشد چون شما را بدست آورده اند و می خواهند مردم را با تفکار و حقیقت شما آشنا سازند پیش دستی کرده که مبادا انتشار کتاب شما را بجامعه معرفی سازد

آقای مصدق پیر مردان و آشنایان با دودمان شما شاید هنوز باشند که از سابقه شما و ریاست مایه شما در خراسان اطلاع کامل داشته باشند مگر شما همان کس نیستید که باو کبیل الملك بدر مرحوم هلی اکبر بدر سهرابی هم دست شده و با شیخ محمد رزاز نوکر مرحوم آقاسید علی اکبر مجتهد تفریضی استاد فرامین قراه قوجان را مثل قریه فرخسوارومی می وغیره که مرحوم بدر سهرابی هفت سال قبل از فوتش با او ارشاد این جانب مرحوم اسدی صلح کرد و آن مرحوم وقف برای زایشگاه بیمارستان شاهرضا نمود جعل نمودید

مگر شما برای آقاخان معالنی بدر آقاخان قلی نشان و حمایت و فرمان مجبول نفر ستادید تا در نتیجه وزیر مختار ایران در آن تاریخ بعنوان کله از دربار گزارش آنرا بمرحوم مظفرالدین شاه عرض کرد پس از اطلاع مظفرالدین شاه شما را شهرت یافت که می خواستند دست شما را قطع کنند و بانوسل جستن بمرحوم آقا سید علی اکبر تفریضی مجتهد شاه از قطع دست شما صرف نظر و در جلوی تفت مرم بفلک بسته نشدید و چون فرمودید و تبیض بفرنگستان نکردید؟
آیا هیچ فکر نکردید من در تمام

زندگانی سیاسی و آشنائی حاضر نشدم حتی یکمرتبه در خانه شما نشدم بگذارم برای چه بود؟ برای آنکه از پیر مردان و موثقین مکرر این قصه و قصه های دیگر را از عملیات شما شنیده بودم موضوع متکی زیر سر مرحوم مظفرالدین شاه را هم می گردیم ننگذارید برده ها را بالا بزنم موضوعات می گذرم همین در روز با حضور هده زیادی از مردمان محترم که بدین آقای جمال امامی و متعصبین آمده بودند آقای محترم فاضلی که باشا دوسال قبل در دربار تحسن جسته بود صریحاً اظهار کرد شما در مدت تحسن در دربار حتی یکمرتبه نماز نخواندید وقصه های دیگری گفت که شرم دارم بگویم آقای مصدق شما هر قدر می توانید سلب آزادی از نمایندگان بنمائید ما هم ناچاریم شمارا معرفی کنیم قصه رفتن شما و جمعی دیگر از نمایندگان مجلس شورای ملی برای مراجعت دادن اعلیحضرت فقید روزیکه تعرض فرموده بود و برودن رفته بود و تعرض مرحوم شیخ جلال نهایندی که چرا نماز شما نخواندی فراموش نکرده ام آقای مصدق استادی الساعه از شما در نزد آقای جمال امامی موجود است که همه اصرار دارند فاش شود و در مجلس خوانده شود ولی دیشب آقای امامی فرمودند من از خارج بیا خواجالت یکم که نخست وزیر ایران را باین اسناد معرفی کنم بر میگردم به قسمت دیگر و آن اعلامیه های آقای کاشانی است آقای کاشانی اعلامیه های شما را می توانید انکار فرمائید که وکیل موسسان اول بودید و بد تغییر خاندان قاجاریه رأی ندادید ؟ تاریخ مرحوم عبدالله طهماسبی که در ۲۶ سال قبل کشته شده در اغلب کتابخانه ها موجود است آیا شما در آن تاریخ چه روش سیاسی داشته اید من چون از روز ورود شما بتهران بمرحوم آقاسید عبدالرحیم کاشانی و مرحوم حاج علی اکبر اخوان و چند نفر دیگر شما را در باغ سراج الملك استقبال کرده و در تمام این مدت هر وقت در تهران بوده ام کم و بیش از نزدیک باشا ملاقات می نمودم از افکار شما مطلعم آیا اجازتی دهید اقدامات و مخالفت های شما را بمرحوم مدرس رضوان الله علیه فاش سازم آقایان از این برده دری نمی کنم ولی ناچارم از شما بی رسم طبق کدام اصل و موازین شرع اسلام شما اعلامیه می دهید و يك عده اجنبی معرفی می کنید و جاسوس میخوانید اینست معنی روحانیت و ترویج شریعت آقا که با شرع اسلام اجازه می دهد که با مسلمانها این طور رفتار شود ؟ آقای کاشانی شاد

اعلامیه خود ائت وطن پرست می نویسید در کجای کتب اسلامی دیده شده يك نفر طلبه يك چنین عبارتی را بقلب آورد ؟
بین عوام معروف است لفظ قلم لفظ قلم غیر از لفظ گفتار است آنهم عالم مدعی باجتهاد المیاز بالله پرستین و ستایش متعصبین ذات باری تعالی است این عبارات که در تاریخ لطمه به مقام روحانیت میزند پسندیده است؟ آقای کاشانی این بولهای که اطرافیان شما که هدهای از آنها گوشند امام رضا را تاجاغت نمی چرانند از کجا بدست می آورند آقاسید محمد پسر شما با آن سوابق آیا حجة الاسلام و المسلمین است که براد بودستور داده می شود او را باین عنوان بخوانند ؟ مرحوم کلینی قدس سره را با آن عظمت آیا حجة الاسلام غیر از امام زمان کسی می تواند باشد آقای کاشانی هدهای از طرف مداران شما و اشرار که اغلب آنها مست بودند در شب پنجشنبه مجلس را محاصره کردند و بمافشش می دادند و اغلب شنیدند که با جناد من ناسزای می گفتند آقای کاشانی مگر اجناد من با اجناد شما جد است حضور بیغمیر فردای محشر معا که خواهم نمود آقای کاشانی قصه های را بخاطر تان می آورم آن روزیکه آقای نوری زاده در سال پیش بعنوان اصلاح ذات البین شما را و بشهرا دعوت نموده بود به نهار و چهار ساعت آن مجلس صحبت طول کشید مگر در آن روز بین ما توافق نشد که شما این اوباش ها را از سر خود پراکنده فرمائید آقای کاشانی دارید موقمی که در منزل آقای د کتر طرفه در تجریش تشریف داشتید عصری بانفاق آقای نوری زاده آمدیم بدین شما و در آن مجلس جمعی دیگر مثل آقایان حسین رسام بدر روزنامه قانون و جلیل مزدهی و دیگران و فاضل دانشمند آقای شیخ عباس علی اسلامی تشریف داشتند من در آن مجلس از شما استمداد تجمیعت و استعفا نکردم که مارا یاری کنید تا زودتر قانون اجرای منع مشروبات الکلی را از مجلس بگذرانیم شما فرمودید باین حرف ها حالا موقع ندارد و بنگذارید برای بعد ها ناچار اعتراض کردم و عرض نمودم مگر احکام و قوانین اسلام تعطیل بردار است ؟ و باحالت تأبه اتفاق آقایان اسلامی و نوری زاده علیه رضای بایگان سوار شدیم و مراجعت بشهر کردیم در اول کوچه در داد آقای نوری زاده از ما جدا شدند از آقای اسلامی که کردم که چرا چنین حرفی را زد معلوم شد جناب آقای حاج شیخ عباس علم هم که دورت قلبی دارند آقای اسلامی در نزد شما تفت و مورد توجه است من سالهای سال باو از ادب دارم ایشان بین گفتند در ایامی که حبس بودیم یکی از مجوسین که فعلا کبیل مجلس است با ما هم حبس بود موقع نماز هر وقت بناو گفتیم چرا نماز نمی خوانی ما را مسخره

می کرد و بنیاز توهین می نمود گفتیم پس چرا آقا از این چنین کسی حمایت میکنید و او را برای وکالت مردم طهران معرفی می کند آقای اسلامی اشک در چشم حلقه زد و گفت من هم خون من خورم (آزاد- کی بود اسم بیرید) الان عرض می کنم آقای بقائی آقای بقائی ایشان نماز را توهین کردند و منی که به آقای حاج شیخ عباس علمی اسلامی که از نواب خاص آقای کاشانی است اینطور معامله بشود آقایان کی این برده را و دروغ و تهمت یاره می شود آقای کاشانی شما مرا می شناسید معال است که از راه حق وقتی که وارد میدان شدم پای بیرون نهم و منحرف کردم مویم سپید شده و از خدا خواسته ام موی سپیدم را در آخر عمر بخون سرخم خضاب فرمائید و در راه خدمت بدین کشته شوم از اینجا بشما می گویم اگر تجدید نظر در رفتار زور و روش خود نفرمائید ناچارم از روش ادب خارج شده آنچه تا حال در پرده خفا از شما سراغ دارم فاش نموده و با صدور اعلامیه بتمام ممالک اسلامی حقایق را آشکار سازم آقایان اندازه فشار بمسلمین نتیجه خوب نخواهد داد راضی نشوید پسران شما در ادارات بیش از این متداخله کنند در خانه آقایان محترم البته نطق دیشب آقای مصدق را در یادوشنیدید ظاهر بیان سحر و آفسون شیرین و فریبنده ولی شمارا بخندا قسم می دهم و انصاف می طلبم آیا ساز او را بود آقای مصدق با این کلمات فریبنده نمایندگان مجلس شانزدهم را که بانفاق کلمه بلی شدن نفت رأی دادند و مکرر در این باره او را تأیید کرده اند اینطور روانه نمودند که اینها و کلاهی تحمیلی بوده و ایشان بطلان آزادی انتخابات توهین و کلاهی حقیقی بمجلس خواهند آمد مانی ندارد اینهم یکی از هزاران اهانت های ایشان باشد بمجلس شورای اسلامی در آتیه نزدیک ملت ایران قضاوت خواهند فرمود که انتخابات ایشان چه صورت داشته آزاد بود یا انتصابات انتخابات بود یا انتصابات بود و آن و کلا چه خدماتی باین کشور خواهند کرد این وزراء و معاونین که استغنا کردند اگر قطع نداشته باشند که از صندوق ها بیرون می آیند بچه انتکائی استعفا کردند این تغییرات اینها همه برخلاف قانون است اینکه می فرستید فلان بی عقل را که ما را نوری را درو بی شعور و گمراه بگویند از اینجا بهش می گویم بی شعور تونی گمراه تونی آنچه در آینه جوان بیند بید درخشت خام آن بیند من همه را می شناسم فباله انساب ایران را می شناسم یکی از چیزهایی که بن اطلاع دادند اولاهمه تلنگرافات معجز است تا بن دستور داده اند به تلنگرافخانه ها تلنگرافهایی که بنفع اقلیت و احترام آنهاست با ما هم حبس بود موقع نماز هر وقت بناو گفتیم چرا نماز نمی خوانی ما را مسخره

آی اهل دنیا آی مهربان بر ایام آزادی نداریم و این انتخابات انتصابات است و مطابق میل ملت ایران نیست و گرنه این بزه را لازم نمایش (احسن)
(۳- توضیحات آقای دکتر شایگان بعنوان ماده ۹۰ آیین نامه)
نایب رئیس - مجلس وارد دستور میشود چند تیرتیران - ۹۰ - توضیحاتی میخواهند بدهند اگر آقایان موافقت آقای دکتر شایگان بفرمائید
دکتر شایگان - بنده همیشه سعی میکنم . . .
نایب رئیس - تامل بفرمائید اکثریت نیست (پس از چند دقیقه اکثریت حاصل شد) بفرمائید
دکتر شایگان - بنده حتی الامکان نمیخواهم وقت گرانهای مجلس شورای اسلامی را با گفته های خود اشغال کنم و بهین دلیل است که بنده کمتر صحبت می کنم گاهی که ضرورت ایجاب می کند که برای رفع بارهای از شهبات هراضی عرض کنم در این قسمت بنده از اقلیت متشکرم که خواهان توضیح شدند درباره يك مسئله مهم مملکتی و آن مراجعه بدیوان بین المللی داد گستره است در باب دیوان بین المللی داد گستره و هم چنین در باب شورای امنیت اینجا بیاناتی شده که با حقیقت و واقع وفق نمیدهد (تیسرورتاش - با حدود اطلاعات ما وفق میدهد) بنده سعی می کنم آنچه را که حقیقت امر است بالاقل من تصور میکنم حقیقت است عرض کنم (آزاد - حقیقت اینست که انگلیس ها این نقشه را کشیده اند)
نایب رئیس - يك ساعت آقایان گوش دادند آقایان مطالب خودتان را گفتید صبر کنید توضیحات بدهند

دکتر شایگان - اگر همین قوامی که خودمان وضع کرده ایم برای امکان مذاکره آزاد در مجلس شورای اسلامی رعایت نکنیم راهی برای مذاکره باقی نمی ماند آقایان اینجا صحبت میکنند و بقیه و نظر ما لاقل حرفهایی که خیلی خیلی برای مملکت گران تمام میشود می گویند معذالك ما ساکت می نشینیم می شنویم در صورتیکه بنده هنوز عرضی که بجای می بر بخورد نکردم در باب شورای امنیت آقایان محترم نمایندگان اقلیت اینطور اینجا اظهار کردند که نتیجه ای ماز شورای امنیت نگرفتیم و حتی بعضی را عقیده بر این بود که مانیتجه بدی گرفتیم بنده باید خدمت آقایان عرض کنم که این مطلب اشتباه است تقاضای که دولت انگلستان از هورای امنیت کرده بود این بود که آنچه می توان اقدامات تأمینیه از طرف دیوان بین المللی داد گستره تعیین شده بود آنرا دستور اجرا بدهد بعد هم که بمون الله ماموق شدیم آن روزی که انگلیس ها را خارج کنیم همه آن روز را

متفقاً یکی از روزهای مصادرت این مملکت دانستند آنوقت در این تیرتیری دادند و گفتند که بر کشتن باوضاع - ابق فلا میسر نیست و بقیه اقدامات تأمینیه را خواستار شدند پس آنچه را که آنها می خواستند عبارت از این بود که شورای امنیت در این باب اقدام نمایند و اما آن چیزی که ما می خواستیم آن بود در شورای امنیت این قسمت را بکلی رد کند یعنی به گوید فاین مطلب دره از حیت ما نیست و شما خود واید برود کناری بایید بهره کلی هست رأیی که شورای امنیت داد اول کاری که کرد عبارت از این بود که خواسته دولت انگلستان را رد کرد یعنی بنفع آنها رأی نداد ولی از آنجائی که البته اقدامات زیادی آنها کرده بودند و اشخاص طرفداری داشتند هورا نمی خواست یا نمی توانست که رسماً این نظر را بدهد آمد يك رأیی داد که برای انگلستان نتیجه ای نداشت ولی برای ما بسیار مفید بود آن رأی عبارت از این بود که وسیله ای فراهم کردند برای این که اظهار نظر نکنند یعنی بلف نور مولی پیدا کردند که اظهار نظر نکنند و آن فورمول عبارت از این بود که گفتند که تا وقتی که دیوان بین المللی داد گستره در باب صلاحیت خودش اظهار نظر نکرده است ما این مطلب را مسکوت بگذاریم به آنهائی که از جریانات بین المللی مطلع هستند و متصف هستند میتوانم عرض کنم که چه پیشرفت عظیمی دولت ایران کرد یعنی دست رده سینه انگلستان زد و خواسته آنها را بر گرداند حال خواهد بد فرمود که از این جهت که بنده طرفدار دولت دکتر مصدق هستم وجهه ملی هستم اینها را عرض می کنم این حقیقت ندارد این مطلبی است که خود امریکائیها در همان موقعی که این واقعه پیش آمد در مجلات خودشان که یکی دو تا ده تا نیست ذکر کردند و نوشتند که دکتر مصدق فائق شد و انگلستان در شورای امنیت شکست خورد اینها البته بصورت مقالات بود بعضی ها این را بصورت تصویر و کاریکاتور در آورده و یکی از آن مجلات مجله لایف است که الان حاضر است در همان روز منتشر شده و دکتر مصدق را عکسش را کشیده است که مشغول یکی از آن خنده های عمیق است از آن خندههایی که ناشی از باسکی طینت است چون آدمی که باک طینت است خوب می خندد یکی از علامتش است (جمال نامی - و خوب هم می گریه) (آزاد - خدا لعنت کند انتلیجنت سرویس را) انشاء الله خدا لعنت کند آنها را که کمک می کنند به آنها بشون این که بفهمند و بعد همس هم از جب گذاشته کنار آن که در حال تاثر شدید است و زبیرش نوشته است که از رأی شورای امنیت دکتر مصدق خندان و جب گریان است - آن شماره اش الان هم هست آمدیم

درباب دیوان بین‌المللی دادگستری آقایان در این باب هم مطالب برایشان آنطوری که باید روشن نشده است جا دارد که آقایان در اشتباه باشند چون بنظر آنها اقدام دولت در مرحله اولی و این مرحله آخری یکی نیست یکی از نمایندگان اقلیت اینجاب گفت می‌خواهم ببینم که ملت این تغییر رویه دولت چه بود و چه هست بسیار حرف صحیحی است جناب آقای تیمورتاش بنده بایستی این جواب را اینجا عرض کنم و باز ضمناً عرض کنم که دولت دکتر مصدق در سیاست خارجی هیچ مایل باستاز نیست و دلش می‌خواهد همه مطالب را همه آقایان و همه ملت بدانند و اگر ملاحظه می‌فرمائید که مطالبی عرض آقایان نمی‌رسد فرصت و وقت این نمی‌شود که عرض آقایان برسد و الا دولت هیچ اهل استاز نیست در مرحله اولی که این قضیه پیش آمد راجع بشکایت بدیوان بین‌المللی دادگستری ما خوف این را داشتیم همه ملت ایران خوف این را داشتند که با آن تسلطی که دولت انگلستان در مؤسسات بین‌المللی دارد ممکن است که از آن مؤسسه رأی صادر شود که آن رأی مضر به حال آن چیزی که همه شما خواهان آن بودید یعنی ملی شدن صنعت نفت باشد همه این ترس را داشتند و این ترس باعث این شده که ما بگوئیم بهیچ نحو از انعام مادر کار این دیوان شرکت نمی‌کنیم ولی ضمناً برای خاطر این که مطالب خودمان را گفته باشیم و به نظر خودمان هم حرف حقمان را بسمع قضات آن محکمه رسانده باشیم آمدیم و با از خود گذشته‌گی فوق‌العاده که چندین شب اشخاصی بودند اینجا که خواب‌ناز بودند دلایل خودمان را نوشته یعنی لایحه‌ای تهیه کردیم در ابتدا گذشته این کار نفت و تاریخ نفت و قرار داد ۱۹۳۳ و چه و همه را که اگر خود آقایان اقلیت امروزی می‌می‌نوشتند همین‌طور می‌نوشتند این را تهیه کردیم با دو دلیل قوی راجع به عدم صلاحیت محکمه و عدم اهلیت مدعی فرستادیم بدیوان ملت رفتن آن میسون هم که بنده انتشار داشتیم کدر آنجا بودم این بود که چون دیر بود چون مارا فغانگیر کرده بودند و مسکن بود که این مطالب به عرض قضات نرسد چون باید شخص مطمئن برود آنجا و آنها را ترجمه کند و زود برساند یکی این بود یکی دیگر اینکه تا آن اندازه که وقت اجازه می‌دهد با قضات و رئیس محکمه شفا هم توضیحاتی قبل از معاکه داده شود این هم ، نظر دولت بود در آن اقدامی که کرد بعد از آنکه ما این اقدام را کردیم و نتیجه‌اش را هم ملاحظه کردند البته آنها نهایت بی‌انصافی را کردند و یک رأی بی‌نیکی فراری صادر کردند که آن فرار هم با اتفاق صادر نشد و دلیل آنهم که با اتفاق

صادق نشد این بود که اساس محکمی نداشت یعنی بی‌دولتی درباره ملت ایران کرده بودند البته چه آنوقت چه بعد از آنوقت تا اکنون در باب اینکه بهتر بود که ما برویم و مدافعه کنیم و شرکت کنیم در جلسه یا این که همین کاری که دولت کرده کدماش ترجیح دارد همیشه مورد بحث است و الان بحث درش باز است مخالفین موافقین دارد موافقین در این عقیده که ما نمی‌بایستی شرکت می‌کردیم می‌گویند آنها قطعاً رأی خود را میدادند و اگر ما اجراء نمی‌کردیم اثر تبلیغاتی آن علیه ملت ایران خیلی زیاد بود می‌گفتند که آنها آمدند مدافعاتشان را کردند و قبول هم کردند که باید اینجا مطرح میشد و مذاکره می‌شد و حالا که محکمه این رأی را داده این را اجرا نمیکنند این حرفی است که موافقین عمل دولت این حرف را میزنند مخالفین عکس این را می‌گویند و هنوز هم می‌گویند آقا اگر شرافت بودید اثر شرکت شما در جلسه این بود که لازم می‌شد قاضی هم از بین شما در بین قضات بیاید چون مطابق مقررات دیوان هر وقت یکی از متداعین در خود دیوان قاضی نداشته باشد و مطلب راجع با آنها باشد حق دارند که یک قاضی بطور موقت برای رسیدگی در آنجا بگذارند.

نایب رئیس - آقای دکتر شایگان یکی دو دقیقه دیگر بیشتر از وقت شما نمانده است

دکتر شایگان - یا اینستکه آقایان واقفاً میل دارند از این قضیه مطلع شوند یا اینستکه صرف این که چون بنده جزء جبهه ملی و اکثریت هستم نباید حرفی بزنم

تیمورتاش - نه آقا استدعا میکنم فرمائید

قاسم فولادوند - نه آقا حاضریم فرمائید

شوشتری - ادامه فرمائید

دکتر شایگان - اجازه می‌فرمائید ؟

نایب رئیس - باید رأی بدهیم

مکی - بنده چون فلاجازه گرفته بودم نوبت خودم را می‌دهم به آقای دکتر شایگان

دکتر شایگان - آقایان عرض کردم که اینجا دو نظر بود و حالا هم هست که شرکت بکنیم و حال یکدیگر متماثل شده‌اند که شرکت بکنیم و اینهایی که می‌گویند شرکت نکنیم دلایلی دارند که بنده عرض آقایان معترم می‌رسانم دلایلی که این است که وضع فعلی کار ما با وضع سابق تفاوت کلی کرده است چند اتفاق تازه پیش آمده که این اتفاقات مارا بیشتر متماثل می‌کند که برویم رسماً شرکت کنیم در معاکه

این عاوه چهار چیز است (جمال امامی - اگر شرکت بکنید صلاحیت دادگاه را تصویب کرده‌اید) اجازه بدهید این راهم روشن می‌کنم اولاً اینها می‌گویند که فعلاً این تدبیر دولت دکتر مصدق انگلیسها را در برابر کار انجام شده قرار داده یعنی بعد از آنکه با تصدیق ملت ایران و تأیید همه نمایندگان معترم خلعید از آنها شده است این يك مسأله ، آنوقت می‌سازیم چه وضعی پیش نیامده بود ، در تانی این است که دولت انگلستان اصالت و وكالة از طرف شرکت نفت ملی شدن صنعت نفت را شناخته است پس دیگر این از آن مباحثی که در آنجا بخواهند در حرف بزنند نیست مطلب این است که بنظر ما تجربه‌ای هم بدست آمده و آن اینست که در این شورای امنیت که شرکت کردیم دیدیم که اینکار بضرر انگلستان تمام شد از چه باب ، یکی از جهت رأی که ما عقیده داریم بر علیه آن ها بوده است و یک چیز دیگری که آن عقیده درش راه ندارد و آن اینست که دولت ایران موفق شد که مظالم شرکت نفت را و مداخلات آنها را و حرفهایی را که عرض کردم اقلیت و اکثریت ندارد همه قبول دارند ، اینها را بسمع دنیا ارزان و مناسب برساند یعنی کاری را که آقایان اگر می‌خواستند با میلیون‌ها دلار انجام بدهند بصرف اینکه شرکت کردیم در آن جلسه بسمع دنیا برسد این تجربه به ما می‌دهد که ما اگر برویم و حرف عرض خودمان را بزمین بسمع دنیا برسد اما عرض می‌کنم حضور آقایان که جناب آقای جمال امامی هم توجه بودند مطلب هنوز در بحث است یعنی هیچ نوع تصمیمی نه فقط در باب صلاحیت در باب شرکت هم گرفته نشده است یعنی در باب این که برویم دفاع بکنیم گرفته نشده است چه به صلاحیت ترتیب بدهی حرف ما این بود ، حرفی که مخالفین این اکثریت و آن اقلیتی که در بین قضات ایجاد شد همین بود اکثریت می‌گفت که محکمه حق دارد قبل از این که در باب صلاحیت خودش رأی صادر بکند می‌تواند اقدامات تأمینیه را خواهد کرد پس بنابراین هنوز هم این بحث هست - آقایان اقلیت هم می‌توانند تشریف بیاورند در هیئت مختلط و بگویند که صلاح در اینست که شرکت بکنیم یا نه پس تا بحال هیچ حقی از ملت ایران فوت نشده است و حتی در باب شرکت ، پس مطلبی را که آقایان باید بدانند اینست که ما هنوز تصمیمی نکرده ایم و اگر نظر مخالفی دارید آقایان می‌توانند تشریف بیاورند در هیئت مختلط قدمشان روی چشم در آنجا بگوئیم و بحث کنیم و بگوئید که ما شرکت نمی‌کنیم ، این يك مرحله ، مرحله دوم اینست

باب صلاحیت حرف بزنند ما اهلیت قضیه ولی محکمه اختیاری ندارد یعنی الان محکمه اگر شروع کرد پرسیدگی وظیفه اش این است که مطابق مقررات و قوانین که بنده الان یادداشت کرده‌ام مطابق ماده ۶۱ بند پنجم از آئین نامه دیوان بین‌المللی دادگستری تا وقتی که در باب صلاحیت رسیدگی نشده است محکمه نمی‌تواند وارد ماهیت دعوی شود اجازه فرمائید دو مطلب است آنوقت صحبت از ماهیت دعوی است الان برای ما مطمینان هست برای جناب عالی هم مطمئنان هست که محکمه نمی‌تواند در ماهیت دعوی حرف بزند پس اول به صلاحیت باید رسیدگی کند بنابر این آقایان تشریف بیاورید این جا صحبت کنیم اگر در باب این صلاحیت صلاح نیست شرکت نکنیم و اگر خوب است بکنیم بنا بر این دفعه‌ای برای خاطر آقایان نیست این قسمتی بود که راجع به صلاحیت معاکم می‌خواستیم خدمت آقایان عرض کنیم بنده یکی دو مرتبه است که مورد اظهار بی مهری آقایان قرار گرفته ام فرموده بودند که بولهای گزافی از این باب گرفته شده (جمال امامی - توضیح داده‌اید) بلی توضیح دادم ولی میندک باز دیروز دیدم آقای تیمورتاش فرمودند که ۱۰۰ هزار تومان خرج کردید (تیمورتاش - عرض کردم کرایه هواپیما بوده است) بنده مکرر عرض کردم که با ۷۰۰ لیره دادند و عرض کردم که ۲۰۰ لیره را بنده برداشتم ۱۰۰ لیره دیگری بقیه‌اش را هم فرستادم برای دولت ، اینهم الان گفتند که دولت برای من فرستاده که الان ۳۰۰ لیره‌ای فرستاده‌اید سررسیده (قاسم فولادوند - سوفا می‌هم که خود روزنامه های آمریکائی نوشته‌اند در تن فرمائید) معلوم می‌شود آقایان بکنی حواسشان پرت است بکنی اینکه نباید بین صحبت دیگران حرف بزنید و بکنی هم لاهه را با آمریکا اشتباه نکنید آفالاها کجا و آمریکا کجا صحبت از لاهه است قربان شما ، بنده بخدای احد و واحد حظ می‌برم که اقلیت بیاید اینجا و حرف خودش را بزند برای اینکه همان‌طور که آقای جمال امامی فرمودند مشروطیت ما که همان مسأله دمکراسی است بدون اینکه مخالف و موافق صحبت کنند و حقیقت مکشوف شود برمی‌گردد طرف دیکتاتوری (صحیح است - احسنت) اما بنده که موافق دولت هستم عقیده ام این است که مثلا وقتی مسئله مالیات است می‌گویم فلان مالیات را زیاد کنید برای اینکه حقیقت مکشوف گردد بایستی آقایان بیایند و دلایلیشان را ذکر کنند که این مالیات

بمال ملک است و بنده هم بگویم مفید است بعد رأی اکثریت فاطح است اما اگر بنده بخوام بیایم پشت این رویون و مطالبی که راجع به ملک نیست راجع به اینکه مالیات مفید است یا مضر است راجع با آنکه این عملی که انجام شده است در باره ملی شدن نفت که مفید است یا مضر است نیست ولی مسائل دیگری باشد بشدای ، در رسد مردم میفهمند مردم می‌فهمند و اگر مردم نمی‌فهمند من خودم را از این پنجه‌گیری می‌کندم باین دلیل اینکه زبان گردانش خیلی آسانست ولی را هر دو طرف علی می‌گویند اما مردم میفهمند که علی کیست هر کیست بنابر این هر وقت کسی حرف حقی بزند مردم دنبال می‌روند بخدا قسم مردم دنبال شما می‌آیند اگر حرف حقی بزنید ، مردم نه عاشق دکتر مصدق هستند نه عاشق آقای جمال امامی ، مردم عاشق حق و حقیقتند اگر این آقای جمال امامی همان روزی که آمدند اینجا صحبت کردند اگر مطالبشان را منحصر کرده بودند بحمله باین عمل زشت و بیایه روز پنج شنبه واقف و جاهت دور براب شده بود اگر منحصر کرده بودند که چرا اینکار شده است عرض صکرده بنده می‌دادم که بدترین کارها شده است اگر تمام حرفهایش را منحصر کرده بود این موضوع و وارد در آنجا می‌بود دیگر نشده بود می‌دید که چقدر تأثیر داشت (شوشتری - چه بکنیم آقای دکتر مگر می‌گذارند نام؟) ولی وقتی که مردم میشنیدند سایر بیانات ایشان را .. (آشتیانی زاده - بنده شما از ادت دارم ، با حضرت هلی چکار کردند که بعقل ناقص و قاصر خودم می‌رسد عرض کنم من باب مثل فرض فرمائید اینجا مکرر روزاولی که صحبت شد گفتند که بچه مدیر روزنامه چنگرگرا از پنجه پرت کردند و کشتند بعد هم گفتند که او مرده والله بالله اینجا لرزیدم ما رفتیم و تحقیق کردیم گفتند اصلاً هیچ چیزی واقع نشده است ، قانع نشدم گفتم شاید بچه خودش نیست و بچه نوری خانه‌اش است آنهم نبود بعد گفتم شاید در مسایلی بچه‌ای ناخوش بوده است مرده و دیگران می‌خواهند این بچه مرده را بریش مایبندند گفتند اصلاً هیچ چیزی هم نیست یک امر دیگر که خودم برای العین دیدم صبح جمعه منزل آقای دکتر مصدق بودم ، فرمایشی داشتند ، کار داشتند بنده فرموده بودند آنجا رفیق بودم یکی از دوستان ما تلفن شد ، جناب آقای مکی بود که ریختند همان رجانه خانه مدیر روزنامه فرمان را غارت کردند شکسته اند و خورد کرده‌اند البته من خیلی ناراحت شدم و فوراً جناب آقای مکی را از آنجا اخراج کردم و فرستادم که بگویم که برویم آنجا ببینیم بنده آقای مکی و آقای دکتر فاطمی هم اتفاقاً رسید رفیق منزل مدیر فرمان که ببینم بچه وضع است چه پیش آمده می‌گفته است این چه

ملکتی است بخدای احد و واحد دیدم بچه می‌کنند همه رد می‌کنند ملت ایران هم رد کرده چرا که بیست سال امتحان کرده ورد کرده و بنتیجه نرسیده (شوشتری - لباسش عوض شده) خوب حالا عوض شده است پس آن دومی را که عبارت از این است که گفتند حکومت ناشی از ملت است حکومتی را که آقایان انشاء الله تشکیل می‌دهند باید قدرتش را از ملت بگیرند از مردم بگیرند (شوشتری - ما را نمی‌گذارند) حالا شما را نمی‌گذارند نصیر ، چه می‌گذارند ما چه بکنیم بایستی قدرت را از ملت گرفت و کسی که میخواهد قدرت را از ملت بگیرد بسیار بسیار باید در در قنارش کردارش و گفتارش محتاط باشد ملت همه فیلسوف نیستند ملت همه حکیم نیستند ملت همه این خفایا و دقایق سیاست را که شما میدانید نمی‌دانند آقا شما باید شما مردم را نگاه دارید مردمی که می‌خواهد پشت سر شما باشند و شما کمک کنند باین مردم میشود فحش داد این فحش را که می‌دهد زهر لفاظی باشد کار بدی انجام می‌دهد (شوشتری - ما فحش نیده‌ایم) جناب تأمل کن دو ساعت صحبت کردید من حرفی زدم شما درس خوانده هستید شما علم الاجتماع خوانده‌اید شما علم مردم‌پشت سر شما باشند نباید حرفی بزنید که مردم را برنجاید احساسات آنها را جریعه‌دار کنید گفتن اینکه آزادی است که من هر چه میخواهم بگویم این حرفی است در ظاهر درست ولی برای کسی که معنی اش را نفهمیده باشد اشتباه معنی آزادی این نیست که من بیایم بنام آزادی العیاذ بالله بخوام بانه معصومین جاسارت کنم (جمال امامی - سفسطه می‌فرمائید آقای دکتر شایگان) بنده خیال میکنم شما می‌خواهید استفاده بکنید از آراه مردم باید با تمام هوش و ذکاوتی که دارید سعی کنید که این مردم با شما طرف نشوند (آزاد - اینها چاقو کش هستند مردم نیستند) آقا ما هم اقلیت بودیم در مقابل حکومت رزم آراه (آزاد و جمال امامی - او این کارها را نمی‌کرد) تشریف بیاورید جواب بدهید به تمام این حرفهای بنده که لا طائل از آنهاست را بدست فرد واحدی داد که می‌شود دیکتاتور یا اینکه اقتدار را باید از ملت گرفت یعنی پشت سر حکومتی که اقلیت فعلی انشاء الله تشکیل می‌دهند در آن زمانه که اکثریت شدند (آشتیانی زاده - در آینده اینها هم تشکیل نمی‌دهند عده دیگری می‌آیند و تشکیل می‌دهند) پشت سر این آقایان بواسطه این که حرف حقشان را می‌زنند و اکثریت می‌شوند و حکومت تشکیل می‌دهند باید یکی از این دو صورت باشد یا اینکه یک قلدری باشد و آن این حکومت را

می‌باید دو قبضه تفنگ شکاری و یک قبضه تفنگ برنو و مبالنی پول و تعدادی فشنگ بمنظور انتخاباتی که معروض است برای خوانین پور احمدی و یکی از کدخدایان آنها داده است و صریحاً تقاضای سه کبکگانه در وقت بی‌آقای فروری رأی بدهند.

باین مراتب تصدیق می فرمائید که گر خود جنابعالی هم مداخله نفرمائید ولی وزیر و اطرافیان شما توصیه بفرمایند حکم توصیه خود شما را در دو بطور صریح و وضوح تمهیدات و قول و قسم جنابعالی (اگر تجدید نظری در اطرافیان خودتان و عمل آنها نفرمائید) ارزشی نداشته و توان گفت (در صورت عدم توجه) فصد

انشاء نداشتن آید و برای ملت مجرم ایران اطمینان آور نیست و خواهند گفت مانند اغلب ادوار غرض اغفال و تعارف به ملت ایران بوده است.
منظور اصلی سؤال بنده از توصیه آقای وزیر کشور است که ضمناً نام دیگران آورده ام از آن جهت است که آنان از نام شما بهره مندند والا از نظر فردی آنها در هر عملی آزادند.

سلطانی

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی خواهش می کنم به آقای کفیل وزارت دارائی تذکر دهید که برای پاسخ بی‌سرش ذیل حاصل شود.

برای نگهداری سه طفل معصوم و بیال مرحوم ایران پرست که در حین انجام وظیفه در لار کشته شده چه اقدام فوری کرده اید و آیا معلوم داشته اید که چه دستهایی این ممیز شجاع میهن پرست و بی‌باک را کشته و سه طفل معصوم و یک خانواده بی‌سریست را بداغ او نشانده است یا مبنی بر اینست که هر قتل در شهر لار لوٹ شود

عبدالرحمن فرمرزی
مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی خواهشمندم با آقای وزیر کشور تذکر دهید که برای پاسخ بسؤال ذیل حاضر شود آیا شما از قتل ایران پرست بازرس و ممیز فداکار و شجاع دارائی در لار اطلاع دارید یا نه.

آیا اقدامی برای کفیل قاتل و کشف حقیقت قضیه کرده اید یا نه؟
عبدالرحمن فرامرزی
ریاست محترم مجلس شورای ملی خواهشمند است مقرر فرمایند وزیر فرهنگ برای جوابگویی سؤال ذیل در جلسه علنی شش روز بعد برسانند
دانشکده پزشکی مشهد از اول تاسیس تا بحال دارای استاد کافی نبوده و کلاس سوم دانشکده در سال جاری بواسطه نداشتن استاد از اول سال تعطیل است وزارت فرهنگ چه فکری - بحال دانشجویان نموده و تکلیف آنها برای تحصیل بیست جواب تکلیفی بدهند
سعید مهدوی